

وقتی یک خرده بورژوا در باره حزب کمونیست ایران قضاوت می کند

در پاسخ به رحمان حسین زاده

اخیراً آقای رحمان حسین زاده از اعضای حزب جدیدالتاسیس "حکمتیست" در مقاله ای تحت عنوان کومله ناسیونالیست یا کومله کمونیست به اصطلاح درباره اختلافات درونی کومله در افشانی کرده و با فضل فروشی سبک و بی محتوایی خواسته است در مقابل ناسیونالیزم درون کومله و حزب کمونیست ایران موضع گیری کرده و با "ارشاد و رهنمود هایش"، بقول خود "گرایش ضعیف و گرد و خاک گرفته سوسیالیستی را از مرگ قطعی ناشی از ویروس ناسیونالیزم" نجات دهد.

من پاسخ رحمان حسین زاده را بطور مختصر در عنوانی که برای این نوشته انتخاب کرده، داده ام، اما برای روشن شدن بیشتر موضوع توجه خوانندگان این سطور را به چند نکته توضیحی در این زمینه جلب مینمایم:

۱_ مساله اختلافات درونی کومله

بعد از انشعاب "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" از کومله و حزب کمونیست، عده ای از رفقای ما بر این عقیده بودند که بدون اینکه تغییری در آرمانها و استراتژیمان داده باشیم، فعالیتیمان را با نام کومله به پیش ببریم. ما بر خلاف شیوه و روشی که بدعت حکمتیست هاست، بجای اینکه با بر چسپ های از پیش آماده ای که فرهنگ شناخته شده حکمتیست هاست به آنان پاسخ بدهیم، در يك دیالوگ مدرن و رفیقانه و طی ۲ کنگره (کنگره ۹ اوت ۲۰۰۰ و کنگره ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲) به این رفقا پاسخ دادیم.

کمیته مرکزی کومله، اخیراً بعد از اینکه این رفقا نظراتشان را انتشار علنی دادند، اسناد مربوط به این قضیه را مجدداً انتشار داده و در معرض قضاوت فعالین جنبش کارگری و جنبش انقلابی مردم کردستان قرار داده است.

اگر حکمتیست ها میخواهند، آتش بیار معرکه باشند و به روال گذشته خویش جنگ گرایش ها را در کومله و حزب کمونیست ایران شعله ور کنند، باید بگوییم که به بیراهه رفته اند.

رفقای که اخیراً نظراتشان را تحت عنوان ضرورت فعالیت بنام کومله منتشر نموده اند، از اعضاء، کادرها و رهبران کومله و حزب کمونیست ایران بوده و هستند و هم اکنون نیز هر کدام به فراخور حال، به

وظایف حزبی خود مشغولند. این رفقا از حقوق سیاسی و تشکیلاتی خود استفاده کرده و علاقمند بوده اند دیدگاههای خود را در سطح وسیع تری منتشر کنند. باد زدن سایت اینترنتی بروسکه وابسته به سازمان زحمتکشان و هیزم بیاری حزب حکمتیست کم که هر دو عقده های قابل درکی نسبت به حزب کمونیست ایران دارند کم اهمیت تر از آن است که بتوانند با چنین شیوه های بقالانه ای، تصویری بحرانی از کومه له و حزب کمونیست ایران را نشان دهند.

۲ _ گفتار و کردار امروز حکمتیست ها در ارتباط با حزب کمونیست ایران ادامه همان روش غیر مسیولانه گذشته آنها در مورد حزب کمونیست ایران و کومه است.

حسین زاده مدعی است که: "کشمکش گرایش راست و چپ درون کومه و حزب کمونیست ایران مربوط به امروز نیست و سابقه ای طولانی تر دارد. ریشه در تاریخ سیاسی این جریان و گرایشات درونی آن دارد."

ما مخالفین روش کار منصور حکمت از همان زمان بروز علنی اختلافات در درون حزب کمونیست ایران، یعنی همان تاریخی که رحمان حسین زاده به آن اشاره نمود (۱۳۶۸) اذعان داشتیم به اینکه حزب کمونیست ایران و کومه، چون یک جریان اجتماعی است قاعدتاً نمیتواند یک حزب باصطلاح آنها تک بنی یعنی یک گرایشی باشد. اختلاف ما با منصور حکمت در این مورد مشخص بر سر این نبود که وجود گرایشات را منکر شویم. اختلاف بر سر این بود که گرایش "کمونیسم کارگری" اگر چه ظاهراً چپ بود و مدام از کارگر و تشکیلات کارگری و رهبری کارگری سخن می گفت، اما عملاً داشت جنبش کارگری کردستان و جنبش انقلابی مردم کردستان را تحویل حزب دمکرات و وناسیونالیسم کرد میداد.

ما آن زمان مخالف هزیمت و میدان خالی کردن حکمتیست ها بودیم و عقیده داشتیم که دست کشیدن از کومه و جنبش انقلابی مردم کردستان یعنی نابودی گرایش سوسیالیستی و تقویت ناسیونالیسم. آقای حسین زاده و همفکرانش در ادامه سیر انحطاطی که آن زمان آغاز کردند امروز به جایی رسیده اند که می خواهند خط مشی های لیبرال مابانه خود را به نام سوسیالیسم به دیگران قالب کنند. آن زمان در تنها گذاشتن کومه کمونیست و حزب کمونیست ایران گوی سبقت را از همدیگر می ربودند و امروز با اینگونه اظهارات صد من یک غاز می خواهند رفتار غیر مسیولانه آن دوره خود را با تحریف تاریخ واقعی پرده پوشی کنند.

روش کار آنها در جهت تقویت گرایش سوسیالیستی و چپ نبود. راه حلی که آنها در سال ۱۳۷۰ انتخاب کردند، اساساً عکس العملی بود که نسبت به تیره شدن افق جنبش مسلحانه در کردستان و نسبت به رکودی بود که در جنبش کارگری بوجود آمده بود، از خود نشان دادند. در آن دوره تشکیلات علنی کومه با مشکلات عملی و تاکتیکی خاصی روبرو بود که به چاره جویی مشخص و به تقویت همبستگی در صفوف آن و به احساس مسیولیت رهبری در آن موقعیت خطیر نیاز داشت.

حکمتیست ها که امروز سنگ نجات کومه کمونیست را به سینه میزنند، آن زمان با ژست چپی که گرفتند و انشعاب غیر مسیولانه ای که انجام دادند، لطامات جبران ناپذیری به حزب کمونیست وارد کردند.

قضاوت آنان ناصادقانه است، چون در شرایطی که خود همه ارگانهای تشکیلاتی و رهبری حزب و کومه را در دست داشتند و حتی تنها يك مسئول ارگان و يك عضو حزب نبود که علناً از ناسیونالیزم و گرایش ناسیونالیستی دفاع کند، به تعهدات و مسولیت‌های خود پشت کردند و کومه و حزب کمونیست را تنها گذاشتند.

کسانیکه در آن شرایط و با این وضعیت کومه و حزب کمونیست ایران را رها کردند آیا امروز حق دارند دایه مهربان تر از مادر و کاسه داغ تر از آش باشند و در مقام مرشد و ناجی و ناصح و خیر خواه کومه ظاهر شوند و ما را از خطر گرایش راست بترسانند؟

همین رفقای که حسین زاده بی پرده آنان را به ناسیونالیزم و گرایش راست متهم میکند، لاقلاً با خدمت عملی به اهداف حزب کمونیست نزدیک به ۱۵ سال بیشتر از آنان از کمونیزم و آرمانهای سوسیالیستی کومه دفاع کرده اند.

قضاوت حسین زاده و نقد وی و همفکرانش از گرایشات درون کومه، قضاوت و نقد خورده بورژواهای کاسبکار و تنگ نظری است که سیاسی کار شده اند و دنیا را از دریچه رونق و یا کساد کسب و کار دکان خود می بینند.

۳ _ چرا حکمتیست ها چشم دیدن حزب کمونیست ایران را ندارند؟

حسین زاده در باب سرنوشت حزب کمونیست ایران میگوید: "..... پدیده حزب کمونیست ایران، پدیده مثبتی در تاریخ مبارزه طبقاتی و سیاسی جامعه ایران بود، اما همانطور که همه اطلاع دارند حزب کمونیست ایران دچار تحولات جدی شد و ما مدت‌هاست شاهد پایان عمر سیاسی آن هستیم."

بسیار جالب است حزب آقای رحمان حسین زاده که تخصص آن در زیگزاگ زدن است و هر ماه یکبار تحلیلها و ارزیابی هایش را نه چندان زیرکانه عوض می کند، حزبی که فاقد کوچکترین انسجام سیاسی و تاکتیکی است و امروز با تکرار کاریکاتور و آر بحث های منصور حکمت خود را سر پا نگهداشته است، حزب کسانی که در یک سالن جمع می شوند و بحث می کنند و بحث می کنند و حوصله شان از هم سر می رود و بعد گرایشهایشان تقابل پیدا می کند و بعد مخالفانشان در همان سالن ارتجاعی و حجاریانی و ... می شوند و بعد انشعاب می کنند، چنین حزبی که هنوز چند ماه هم بیشتر از تاسیس آن نگذشته است گل سر سبد اپوزیسیون جمهوری اسلامی است و این حزب " ... شاهد پایان عمر سیاسی حزب کمونیست ایران است." براستی بقول منصور حکمت: " ... آقا جدی باشید سیاسی باشید.."

معلوم نیست چرا و از کی رحمان حسین زاده شاهد پایان عمر سیاسی حزب کمونیست ایران است؟ از سال ۱۳۷۰ که حزب کمونیست کارگری تاسیس شد تا امروز که بیش از يك دهه گذشته، حزب کمونیست ایران با صحت دیدگاه و نقطه نظراتش در مورد مسائل ایران و جهان، با موضع گیری های کارگری، با دفاع سرسختانه اش از آرمانهای کمونیستی، با دخالت مسئولانه در جنبش انقلابی کردستان، شناخته شده است . حتی با طول و عرض تشکیلاتی و حجم فعالیت‌های متین و دور از جنجالش چندین سر و گردن از جریانی که رحمان حسین زاده خود را رهبر آن می داند بالاتر است . براستی چرا باید حسین زاده به این قناعت رسیده

باشد که این حزب به پایان عمر سیاسیش رسیده است. خود فریبی و زندگی سیاسی دون کیشوت وار هم حدی دارد.

بگذارید همین جا بگویم که اولاً، بنظر من حزب آقای حسین زاده "حکمتیست" نام بسیار با مسمایی را برای خود انتخاب کرده است و اگر چه در رابطه با خود منصور حکمت چندان منصفانه نیست، اما آنها با انتخاب این نام کار قضاوت کردن در مورد خود را آسان کرده اند. ثانیاً جامعه ایران سرزمین پر جمعیت و پهناور و زنده ای است، اگر از برکت رژیم سرکوبگر امکان تشکیل سازمانها و احزاب بزرگ و کوچک و ریز و درشت وجود ندارد چرا من مانند آقای حسین زاده با آرزوی انحلال احزاب سیاسی شیم را به روز برسانم؟

امروز در ایران ایجاد صف مبارزه متحدانه کارگری و کمونیستی بیش از هر زمان دیگری به یک نیاز سیاسی عاجل تبدیل شده است، در چنین شرایطی ما بیش از هر وقت دیگر بر ضرورت و حفظ این حزب و دلبستگی به آن اصرار داریم. من نه سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس و نه رهنمود های کاسبکارانه رحمان حسین زاده را مسیولانه نمی دانم. چنین اظهاراتی چیزی بیش از تتگ نظری خورده بورژوازی که بین پز دادن کمونیستی و پز دادن لیبرالی در نوسان است، نیست.

محمد نبوی

۲۰۰۴/۱۱/۴